



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: امر چهارم، دخول در مسجد به قصد گذاشتن چیزی در آن-

امر پنجم، خواندن سوره‌های دارای سجده واجب

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه: ۸۸

تاریخ: ۲۶ اسفند ۱۳۹۹

مصادف با: ۲ شعبان ۱۴۴۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، چهارمین مورد از مواردی که بر جنب حرام است دخول در مساجد به قصد گذاشتن چیز در مسجد است، بلکه مطلق گذاشتن چیزی در مسجد بر جنب حرام است، هرچند که از خارج، چیزی را در مسجد بگذارد یا در حال عبور، چیزی در مسجد بگذارد.

عرض شد که گذاشتن شیء در مسجد، بر جنب حرام است اما اخذ شیء از مسجد، بر جنب حرام نیست، یعنی شخص جنب می‌تواند چیزی را از مسجد بردارد و مجاز نیست که چیزی را در مسجد بگذارد و دلیل آن، روایاتی است که در این رابطه وارد شده‌اند که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «الْحَائِضُ وَالْجُنْبُ لَا يَدْخُلَانِ الْمَسْجِدَ إِلَّا مُجْتَازَيْنِ» إِلَى أَنْ قَالَ: «وَيَأْخُذَانِ مِنَ الْمَسْجِدِ وَلَا يَضَعَانِ فِيهِ شَيْئًا»، قَالَ زُرَّارَةُ: قُلْتُ لَهُ: فَمَا بَالُهُمَا يَأْخُذَانِ مِنْهُ وَلَا يَضَعَانِ فِيهِ؟ قَالَ: «لَأَنَّهُمَا لَا يَقْدِرَانِ عَلَى اخْتِذَا مَا فِيهِ إِلَّا مِنْهُ وَيَقْدِرَانِ عَلَى وَضْعِ مَا بِيَدِهِمَا فِي غَيْرِهِ»^۱.

در ذیل روایت مذکور، به حکمت جواز اخذ چیزی از مسجد و عدم جواز وضع چیزی در مسجد [از طرف جنب و حائض] اشاره شده است و امام باقر (ع) فرموده است که دلیل آن، این است که برای شخص جنب و حائض، مقدور است که چیزی که نزد آنان است را در غیر مسجد بگذارند، ولی برای آنها مقدور نیست که چیزی که در مسجد است را از جای دیگر اخذ کنند، لذا بر جنب و حائض جایز است که برای برداشتن چیزی که در مسجد است، داخل مسجد شوند و آن را بردارند و سپس خارج شوند. بنابراین، چون شخص جنب و حائض می‌تواند آنچه را نزدشان است در جایی غیر از مسجد بگذارند اضطراری نسبت به گذاشتن آن شیء در مسجد، متوجه آنان نیست، ولی چون برای برداشتن آنچه در مسجد است، چاره‌ای جز دخول در مسجد ندارند لذا بر آنان جایز است که برای برداشتن آن شیء از مسجد، داخل مسجد شوند.

گفته‌اند که منع از گذاشتن چیزی در مسجد، منعی است که متوقف بر دخول باشد و مطلق گذاشتن، هرچند از طریق پرتاب کردن یا عبور باشد را شامل نمی‌شود. بنابراین، مطلق گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از راهی غیر دخول در مسجد باشد، بر جنب حرام نیست، هرچند که احتیاط اقتضا می‌کند که جنب، مطلق گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از راهی غیر دخول باشد را ترک کند، اما از روایت مذکور، ترک مطلق گذاشتن چیزی در مسجد از جانب جنب، استفاده نمی‌شود و فقط گذاشتن از طریق دخول در مسجد را شامل می‌شود.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۷، ص ۲۱۳، ح ۲.

الخامس: قراءة سور العزائم و هي سورة «اقرأ» و «النجم» و «الم تنزيل» و «حم السجدة» و إن كان بعض واحدة منها، بل البسملة أو بعضها بقصد إحداها على الأحوط، لكن الأقوى اختصاص الحرمة بقراءة آيات السجدة منها^١.

به نظر مرحوم سيد (ره)، پنجمين مورد از مواردی که بر جنب حرام است، خواندن سوره‌هایی است که سجده واجب دارند که آن سوره‌ها عبارت از سوره «اقرأ»، «النجم»، «الم تنزيل» و «حم السجدة» می‌باشند، هرچند که شخص بعضی از آن سوره‌ها را بخواند، بلکه بنا بر احتیاط خواندن بسم الله یا بعضی از آن به قصد یکی از این سوره‌ها حرام است، لكن أقوى این است که حرمت به خواندن آیاتی که سجده واجب دارند، اختصاص دارد.

سؤال: آیا بر شخص جنب، فقط خواندن آیه‌ای که سجده واجب دارد حرام است و خواندن بقیه آیات آن سوره اشکالی ندارد یا اینکه خواندن سایر آیات سوره‌ای که سجده واجب دارد نیز بر جنب حرام است؟

پاسخ: به نظر می‌رسد که فقط خواندن آیه‌ای که سجده واجب دارد بر جنب حرام است و خواندن بقیه سوره اشکالی ندارد. دلیل این حکم، روایاتی می‌باشند که در این زمینه وارد شده‌اند که از ضمیمه این روایات به قرائن دیگر، فهمیده می‌شود که آنچه از سوره سجده‌دار که بر جنب حرام است، آیه‌ای که سجده واجب دارد و خواندن بقیه سوره اشکالی ندارد؛

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الْحَائِضُ وَالْجُنْبُ هَلْ يَقْرَأَانِ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا؟ قَالَ: «نَعَمْ مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ وَيَذْكُرَانِ اللَّهَ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^٢.

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ؛ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «الْجُنْبُ وَالْحَائِضُ يَفْتَحَانِ الْمُصْحَفَ مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ وَيَقْرَأَانِ مِنَ الْقُرْآنِ مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ»^٣.

ظاهر قول امام باقر (ع) که در این دو روایت فرموده است: «مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ»، آیه سجده می‌باشد و فعل سجده مراد نیست چون فعل سجده با عبارتی که قبل از این تعبیر در روایت آمده است، سنخیتی ندارد و نیازی به تقدیر مضاف نیست که گفته شود که منظور از «إلا السجدة» «إلا آية السجدة او سورة السجدة» است که آیه یا سوره در تقدیر گرفته شود، چون بعضی از بزرگان مثل مرحوم صاحب جواهر (ره) فرموده است که لازم است چیزی در تقدیر گرفته شود زیرا مسلم است که منظور از سجده در این دو روایت، فعل سجده نیست لذا برای اینکه معلوم شود که منظور از سجده، فعل سجده نیست باید لفظ سوره یا آیه در تقدیر گرفته شود و شاید اولی و سزاوار این باشد که سوره در تقدیر گرفته شود و دلیل آن، اشتها تعبير از سوره به الفاظ مشهوره است، مثل اینکه گفته می‌شود: «بقرة» و منظور سوره بقره است، در این مورد نیز بهتر است که گفته شود که سوره در تقدیر گرفته می‌شود. مرحوم آیت الله حکیم (ره) فرموده است که مرحوم صاحب جواهر (ره) قائل به اجمال است و در نتیجه این گونه حکم کرده است، لكن عرض می‌شود که صریح عبارت مرحوم صاحب جواهر (ره) همین مطلب است و از باب اجمال نیست.

اما دلیل اینکه مقصود از سجده، آیه سجده است، روایات ذیل می‌باشند؛

روایت اول: عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ الطَّامِثِ تَسْمَعُ السَّجْدَةَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَتْ مِنَ الْعَزَائِمِ فَلَتَسْجُدْ إِذَا سَمِعَهَا»^٤.

١. سيد محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ١، ص ٢٨٦.

٢. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ٢، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ١٩، ص ٢١٦، ح ٤.

٣. همان، ص ٢١٧، ح ٧.

٤. همان، ابواب الحيض، باب ٣٦، ص ٣٤٠، ح ١.

«طامث» به معنای حائض است.

روایت دوم: موثقه ابی بصیر: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ فِي حَدِيثٍ: «وَالْحَائِضُ تَسْجُدُ إِذَا سَمِعَتِ السَّجْدَةَ»^۱.

روایت سوم: موثقه عمار: عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: ... وَ عَنْ الرَّجُلِ يَقْرَأُ فِي الْمَكْتُوبَةِ سُورَةً فِيهَا سَجْدَةٌ مِنَ الْعَزَائِمِ، فَقَالَ: «إِذَا بَلَغَ مَوْضِعَ السَّجْدَةِ فَلَا يَقْرَأُهَا وَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْجِعَ فَيَقْرَأَ سُورَةً غَيْرَهَا وَيَدْعَ الَّتِي فِيهَا السَّجْدَةُ فَيَرْجِعُ إِلَى غَيْرِهَا»^۲.

ظاهر روایات مذکور، این است که سجده، اسم برای آیه است و اسم برای سوره نیست و از این روایات استفاده می‌شود که منظور از سجده در دو روایت صحیح زرار و محمد بن مسلم، آیه سجده است و لذا فقط خواندن آیه سجده بر جنب حرام است و خواندن بقیه آیات جایز است و مشکلی ندارد.

البته بعضی از باب اجمال بین تقدیر سوره و تقدیر آیه وارد شده‌اند و گفته‌اند که خود سجده به تنهایی وافی به مراد نیست و نیاز به تقدیر مضاف دارد و امر دایر است بین اینکه سوره به عنوان مضاف در تقدیر گرفته شود و گفته شود: «سورة السجدة» یا اینکه آیه در تقدیر گرفته شود و گفته شود: «آية السجدة» و چون قرینه‌ای بر تعیین هیچ کدام از سوره یا آیه نیست و نمی‌توان به طور قطعی گفت که سوره، مورد نظر است یا آیه، مورد نظر است لذا روایت مجمل می‌شود و در این صورت چاره‌ای نیست که قدر متیقن اخذ شود و قدر متیقن، خصوص آیه است. بنابراین، به قرینه روایات دیگری که وارد شده‌اند عرض شد که نیازی به تقدیر نیست و بر فرض که نیاز به تقدیر باشد، آیه در تقدیر گرفته می‌شود.

مرحوم محقق (ره) روایتی را ذکر کرده است که در عدم جواز قرائت سوره‌های سجده‌دار بر جنب، ظهور دارد و فقط بر عدم جواز قرائت آیه سجده‌دار دلالت ندارد، بلکه علاوه بر عدم جواز قرائت آیه سجده‌دار، قرائت سایر آیات سوره‌ای که سجده واجب دارد نیز بر جنب حرام است؛

جَعْفَرُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ الْمُحَقِّقُ فِي الْمُعْتَبَرِ؛ قَالَ: يَجُوزُ لِلْجُنْبِ وَالْحَائِضِ أَنْ يَقْرَأَ مَا شَاءَ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا سُورَةَ الْعَزَائِمِ الْأَرْبَعِ وَ هِيَ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ النَّجْمُ وَ تَنْزِيلُ السَّجْدَةِ وَ حَمِ السَّجْدَةِ^۳.

این روایت را بزنی از امام صادق (ع) نقل کرده است و لکن ممکن است که گفته شود که مراد از سوره‌های سجده‌دار، آیاتی است که سجده واجب دارند، یعنی شخص جنب و حائض می‌تواند همه سوره‌های قرآن را بخواند، مگر سوره‌هایی که سجده واجب دارند که به خاطر اشتغال آن سوره بر آیه‌های سجده‌دار، شخص مجاز نیست که آن آیه‌ای را که سجده واجب دارد، بخواند، ولی خواندن سایر آیات مشکلی ندارد. پس خواندن همه سوره‌ای که سجده واجب دارد بر جنب جایز نیست، چون مشتمل بر آیه سجده‌دار است لذا فقط مجاز است که غیر از آیه سجده‌دار را بخواند و خواندن آیه سجده‌دار بر او جایز نیست. پس ظاهر این است که سجده اسم برای آیه است و اسم برای سوره نیست و قرائن آشکاری بر این مطلب وجود دارند. به علاوه اینکه مراد از عزائم در روایت مذکور، آیات سجده است و مراد سوره نیست.

اشکالی که بر روایت مذکور وارد است، این است که روایت بزنی ضعیف است چون شخصی به نام حسن صیقل در سند این روایت وجود دارد که در کتب رجالی توثیق نشده است. پس این روایت را بزنی از مثنی بن ولید از حسن بن صیقل نقل کرده

۱. همان، ص ۳۴۱، ح ۳.

۲. همان، ج ۶، کتاب الصلاة، ابواب القراءة فی الصلاة، باب ۴۰، ص ۱۰۵، ح ۳.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۹، ص ۲۱۸، ح ۱۱.

است و هرچند که روایات مثنی بن ولید خوب است و کشی گفته است که مشکلی ندارد^۱ ولی چون حسن صیقل ضعیف است لذا استناد به این روایت بر اینکه مقصود از سجده، سوره سجده‌دار است، صحیح نیست، بنابراین مراد از سجده، آیه سجده‌دار است. پس معنای روایت مذکور که جنب و حائض را از خواندن سوره سجده‌دار منع کرده است، این است که جایز نیست که شخص جنب و حائض همه سوره‌ای را که سجده واجب دارد، به طور کامل بخوانند بلکه فقط مجازند که غیر از آیه سجده‌دار، سایر آیات را بخوانند و مجاز نیستند که تمام سوره را بخوانند.

«الحمد لله رب العالمین»